

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش روشن فکران

در
تاریخ معاصر ایران

جلد سوم

مهندس مهدی بازرگان

موسسه فرهنگی هنری قدرولايت



موسسه فرهنگی هنری قدر و لایت

نام کتاب: نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران جلد سوم مهندس مهدی بازرگان

مؤلف: موسسه فرهنگی هنری قدرولایت

ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدرولایت

چاپ سوم ۱۳۹۹

حروفچینی: ظرفیان

چاپ: کیوان

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

قیمت ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۰۶۱-۲

کلیه حقوق محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۰	ابزارها و امکانات غرب در تهاجم فرهنگی
۱۱	نقاط حساسی که آماج حمله قرار گرفت
۱۱	۱- حوزه‌های علمیه و روحانیت
۱۱	۲- مدارس و دانشگاهها
۱۲	۳- تاریخ و اسطوره‌های مقاومت و استقلال کشور
۱۲	۴- زبان و ادبیات
۱۲	۵- تمامیت ارضی و وحدت کلمه

فصل اول

زندگینامه مهندس مهدی بازرگان

فصل دوم

شخصیت مهندس مهدی بازرگان و عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری آن

۴۹	الف - خانواده
۴۹	۱- رفاه خانوادگی
۵۲	۲- تحبد خانواده
۵۳	ب - تحصیلات مقدماتی در تهران
۵۸	ج - تحصیلات در فرانسه
۶۴	د - شرایط اجتماعی و سیاسی ایران
۷۱	ه - دوستان و همکاران

فصل سوم اندیشه دینی بازرگان و جلوه‌های آن

۷۸	«راه طی شده».....
۸۸	«بعثت و ایدئولوژی».....
۹۴	«آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء».....
۹۸	۱- تحریف و تأویل آیات به غیر از معنای صحیح آن.....
۹۹	۲- تحریف سیره انبیا و ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۱۰	مؤلفه‌های مؤثر در آثار دینی بازرگان
۱۱۹	بازتاب اندیشه دینی بازرگان در نهضت آزادی ایران
۱۱۹	۱- میزان تکیه بر اسلام
۱۲۲	۲- حمایت از قانون اساسی مشروطه.....
۱۲۴	۳- ارتباط با امریکا
۱۲۶	۴- مصدقی بودن
۱۲۸	بازتاب اندیشه دینی بازرگان در سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق

فصل چهارم عملکرد بازرگان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

۱۴۰	نهضت مقاومت ملی
۱۴۷	مواضع بازرگان و نهضت آزادی در قبال ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
۱۵۳	جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر.....
۱۶۰	تلاش بازرگان برای فریب دادن حضرت امام(ره).....
۱۶۸	متن سند نشست شخصیت‌های سیاسی میانه‌رو
۱۶۸	الف - کسان
۱۶۸	ب - برداشت کلی و مشترک از وضع
۱۶۹	ج - راه حل
۱۶۹	الف - منفیات
۱۷۰	د - راه حل: پیشنهادها
۱۷۰	تشکیل شورای سلطنت و تداوم توطئه تلاش برای فریب امام.....

فصل پنجم

عملکرد بازرگان پس از پیروزی انقلاب اسلامی

۱-	نخست وزیری بازرگان و تشکیل دولت موقت	۱۸۳
۲-	نکته اول:.....	۱۸۵
۳-	نکته دوم:.....	۱۸۶
۴-	انتخاب وزرا و معاونان و مسؤولان	۱۹۰
۵-	رفارندم جمهوری اسلامی	۱۹۹
۶-	مجلس خبرگان و قانون اساسی و ولایت فقیه	۲۰۲
۷-	ارتباط با آمریکا	۲۱۷
۸-	سابقه ارتباط با آمریکا.....	۲۲۱
۹-	مذاکره با دشمن و پاسخ شهید بهشتی	۲۲۵
۱۰-	حضور آمریکاییها در ارتش!.....	۲۳۴
۱۱-	ع_ ماجراهای کردستان و نقش دولت موقت.....	۲۳۵

فصل ششم

عملکرد بازرگان بعد از سقوط دولت موقت

۱-	ادامه عضویت در شورای انقلاب با جلب موافقت امام.....	۲۴۷
۲-	شرکت در انتخابات ریاست جمهوری	۲۴۸
۳-	نمایندگی مجلس شورای اسلامی	۲۵۰
۴-	ائتلاف با بنی صدر و طیف ضد انقلاب در براندازی نظام اسلامی.....	۲۵۴
الف -	مخالفت با نخست وزیری شهید رجایی و انتخاب وزرا	۲۵۴
ب -	تفاهم با بنی صدر	۲۵۹
ج -	مقاله روزنامه میزان و تهمت انحصار طلبی به شخصیت‌های خط امام	۲۶۱
د -	میتینگ سیاسی امجدیه یک هفته قبل از غائله چهاردهم اسفند	۲۶۴
ه -	اطلاعیه «کی باید برود؟»	۲۶۷
و -	چند سخنرانی دیگر بازرگان در حمایت از عملیات جریان برانداز	۲۷۴
۱-	سخنرانی در زنجان	۲۷۴
۲-	سخنرانی در اصفهان	۲۷۸
ز -	شرکت در مراسم ۱۴ اسفند برای براندازی نظام	۲۷۸
ح -	توقیف روزنامه میزان به جرم تشنجه آفرینی	۲۸۱

ط - نامه سرگشاده بازرگان و دور جدید تحرّک جریان برانداز.....	۲۸۲
ی - حمایت از منافقین به عنوان «فرزنдан خود»!	۲۸۳
۵- اعلام راهپیمایی علیه لایحه قصاص و موضع بازرگان	۲۸۸
ع موضع بازرگان در قبال فاجعه هفتمن تیر و هشتم شهریور و حمایت تلویحی از منافقین ...	۲۹۵
۷- مواضع بازرگان در قبال جنگ تحملی.....	۲۹۸
الف: مواضع نهضت و بازرگان تا فتح خرمشهر	۲۹۸
ب: مواضع نهضت آزادی و بازرگان پس از فتح خرمشهر	۳۰۰
۸- سفارش نشریه فرانسوی لوموند به بازرگان!.....	۳۱۱
۹- تدوین کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت»!.....	۳۱۵
پیوستها.....	۳۱۹
عباس امیرانتظام.....	۳۲۱
حسن نزیه.....	۳۲۷
احمد مدنی	۳۳۱
رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای	۳۳۷
نمایه اشخاص	۳۵۷
نمایه موضوعی.....	۳۶۳
نمایه اماکن	۳۷۱
منابع	۳۷۵

پیشگفتار

پرداختن به مقوله «تهاجم فرهنگی» به باورها و فرهنگ سایر کشورها - عمدتاً شرقی و بولیزه کشورهای اسلامی - از سوی سیستم سیاسی و فکری لیبرالیسم - که امریکا و کشورهای اروپایی مظهر آن به شمار می‌روند - بسیار مهم و در عین حال پیچیده و حساس است. اهمیت مسئله از آن جا ناشی می‌شود که فتح فرهنگ کشورها، تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی آنها را در اختیار «مهاجم» قرار می‌دهد، بدون آنکه علیه او اعتراضی برانگیخته شود. پیچیدگی آن هم به خاطر به کارگیری وسیع امکانات علمی متعدد و مختلف و فناوری پیشرفته، و نیروها و منابع فراوان در تهاجم است. حساسیت «تهاجم فرهنگی» نیز به سبب تئوری پردازیها و رفتارهایی است که «باورها و عادات» عمومی را تغییر داده و خواسته‌های خود را به جای آنها در عمق فکر و دل مردم می‌نشاند؛ به گونه‌ای که امر بر همگان مشتبه شده و امکان تشخیص «باورها و عادات» خودی از بیگانه، سخت و گاه غیرممکن می‌شود. غالباً این جایه‌جایی به طور ظریف و در مدت طولانی انجام می‌گیرد.

ما در این پیشگفتار، سعی می‌کنیم تابلویی گویا ولی کوتاه از گستره «تهاجم فرهنگی» ترسیم نموده و نقش و جایگاه «روشنفکران دینی و غیردینی» را در آن به نمایش بگذاریم؛ اگرچه معتقدیم، این تابلو باستی در یک مقوله جداگانه بررسی شده و جزء به جزء آن مورد توجه قرار گیرد.

اوّلین نقطه در این تابلو، این سؤال است که چرا و از چه زمانی غرب به «تهاجم فرهنگی» روی آورد و آن را در دستور کار خود قرار داد؟ پاسخ مستند و در عین حال ساده به این سؤال نشان می‌دهد که غرب، با سیستم سیاسی و فکری لیبرالیسم، و پیشرفت سریع و درخشان علمی، به این نتیجه رسید که فتوحات نظامی، دارای هزینه‌هایی سنگین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده و تحمیل آن به لیبرالیسم غربی، آن را از پیشرفت باز داشته و توجیه فکری و روانی

طرفداران خود را دچار مشکل می‌سازد. بنابراین باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که بدون تهاجم نظامی، تفکر غربی بر جهان حاکم شود و منافع جهانی را به سوی آنان سرازیر نماید. اگر در مقطعی هم نیاز به تهاجم نظامی احساس شود به گونه‌ای بایستی زمینه‌سازی گردد که افکار عمومی، آن را به عنوان یک دارو یا راه نجات و جزیی از حقوق بشر و دفاع از پیشرفت بشریت، تلقی نمایند! این شیوه جدید از تهاجم، عمدتاً از قرن نوزدهم آغاز شد و در قرن بیستم در پارهای از کشورها، بنا به موقعیتهای مختلف جغرافیایی و فرهنگی، انجام گرفت.

دومین نقطه در تابلوی «تهاجم فرهنگی» این مسئله است که غرب لایک، برای پیشبرد هجوم به فرهنگ جوامع مورد نظر، از کجا باید آغاز می‌کرد؟ به طور طبیعی، غرب برای آغاز تهاجم، نیاز به اطلاعات داشت؛ چنانچه در تهاجم نظامی نیز عنصر اصلی برای طرح ریزی عملیاتی، اطلاعات دقیق و همه‌جانبه است.

الف: اطلاعات در چه زمینه‌هایی مورد نیاز بود؟

۱- روحیات اقوام مختلف کشور

۲- باورهای اعتقادی و دینی و میزان عمق ایمان دینی

۳- عوامل و انگیزه‌های مؤثر در خیزش و مقاومت مردم

۴- نقاط آسیب‌پذیر فکری و عادات عامه

۵- نظام سیاسی و ساخت قدرتی حاکم

۶- فرهنگ ملی و علائق و آداب و رسوم مردم

ب: از چه راههایی به این اطلاعات دسترسی پیدا می‌کرند؟

۱- سفر او کارداران و نمایندگان اعزامی رسمی

۲- مستشرقین و جهانگردان

۳- تجار و بازرگانان

۴- جاسوسان که بیشتر در میان قبایل و اقوام بالباس مبدل، مدت‌ها زندگی می‌کردن.

۵- عناصر مجذوب و مرعوب خودی و داخلی

۶- مستشاران نظامی و سیاسی و مالی

۷- هیأتهای تبلیغی و تبیهیری مسیحیان

سومین نقطه که مرحله اصلی «تهاجم فرهنگی» است، طرح ریزی و اجرای عملیات تهاجم است. در طرح ریزی چند مسئله حائز اهمیت است. اولین نکته حائز اهمیت در طرح ریزی،

تعیین اهداف تهاجم است. اهداف را همچون عملیات نظامی در هدفهای ابتدایی، میانی و نهایی دسته‌بندی نمودند.

اهداف ابتدایی: معمولاً در اهداف ابتدایی، نقاطی که تصرف و نگهداری آنها موجب تسهیل در هجوم بعدی می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرند. نفوذ و گرفتن سرپل برای بسط نیرو در سرزمین مقابل و زدن ضربه نهایی از اهداف ابتدایی است. در تهاجم فرهنگی، یافتن عناصر سست از لحاظ اعتقادی و فکری و مرعوب از نظر شخصیتی و روانی، در بخش‌های مختلف، و ارتباط دادن آنان با عوامل اطلاعاتی و تحت تأثیر قرار دادن آنان، از اهداف مهم ابتدایی است. عناصری که بدین ترتیب نقش ستون پنجم دشمن را در داخل به عهده می‌گیرند، در موفقیت دشمن بسیار کارساز هستند.

برای تربیت این عناصر وابسته، چه شیوه‌هایی به کار می‌روند؟

- ۱- حمایت از آنان در موقعیتهای مختلف و قرار دادن آنان در مشاغل حساس به ویژه در پُستهای امور خارجه و معارف و عدیله و تشویق و اهدا جوايز مختلف در جشنواره‌ها.
- ۲- پذیرش آنان در کشورهای خود تحت عنوانین سفیر، مأمورین امور خارجه، میهمان، دانشجو، پناهنده، تحت الحمایه، گردشگر و ...

۳- ایجاد مدارس ابتدایی و عالی برای جذب و تربیت نخبگان وابسته و تحملی.

- ۴- جذب آنان در سازمانهای وابسته مانند فراماسونری و سازمانهای به ظاهر انسان‌دوستانه مانند حقوق بشر.

عناصری که به این ترتیب جذب و تربیت می‌شوند بایستی وارد عمل شده و شاعع تهاجم را گسترش دهند. و اهداف میانی را به اشغال در آورند و سپس برای دست یافتن به هدف نهایی، بسیج شوند.

اهداف میانی: به دست آوردن پُستهای حساس سیاسی، نظامی و اقتصادی در نظام حاکم توسط عناصر تربیت شده است. این امر حتی با کودتا هم ممکن است انجام شود، مانند کودتای اسفند ۱۳۹۹ رضاخان و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمد رضا که اوّلی با دخالت مستقیم انگلستان و دومی با دخالت مستقیم آمریکا و انگلستان انجام شدند.

تغییر نظام سیاسی حاکم و به وجود آوردن فضای مناسب برای عناصر تربیت شده، حد نهایی این مرحله است. نمونه آن را در استقرار نظام مشروطه در ایران مشاهده کردیم. عناصر تربیت شده چون میرزا ملکم‌خان، محمدعلی فروغی، میرزا حسین‌خان سپهسالار، دولت‌آبادی،

تقی‌زاده، مصدق و دیگران در برگرداندن نظام حاکم و تبدیل آن به مشروطه غربی تلاش زیادی به خرج دادند و درواقع زمینه را برای هدف نهایی و فتح کامل کشور توسط مهاجمین فراهم نمودند.

هدف نهایی، تسلط کامل بر ساختار سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور هدف با تغییر فرهنگ مردم و ساخت فرهنگ جدید، مشتمل بر باورها و خواستها و عادات و رسوم جدید، تعیین شده است. در این مرحله، مردم می‌بایستی آن‌گونه فکر و زندگی کنند که غربیها می‌خواهند. مردم بایستی باورهای غرب را پذیرند و از تاریخ و هویت و دیانت خود تهی شده و همچون قالبی و ظرفی شوند که محتوا و مظروف آن را غرب تعیین می‌کند.

حال در تابلوی «تهاجم فرهنگی» می‌نگریم تا بینیم، غرب برای رسیدن به اهداف میانی و نهایی، توسط عناصر تربیت شده خود، اولًاً، از چه ابزار و امکاناتی سود جست؟ ثانیاً، چه نقاط حساسی را بیشتر آماج حمله خود قرار داد؟

ابزارها و امکانات غرب در تهاجم فرهنگی

۱- رسانه‌های جمعی چون رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، کتاب، مطبوعات و روزنامه‌ها. درواقع تئوریزه کردن تهاجم فرهنگی غرب و نفوذ آن در افکار عمومی و در مقابل، تحقیر شخصیت و فرهنگ و باورهای خودی و دینی در دستور کار این رسانه‌ها قرار گرفته و افراد شیفتۀ غرب در رأس این ابزارها و امکانات راه یافته و مسیر را برای اشغال‌گران هموار می‌نمایند.

۲- حکّام وابسته و سیاستمداران زبون و درباریان عشرت طلب و منفعت خواه.

این گروه به واسطه ضعف و زبونی و شهوترانی و خودخواهی و جدایی از مردم، در برابر فشارها و تهدیدها و تضمیع دولتهای غربی و سفارتخانه‌ها و سفرای آنان، نقش اجرایی کردن برنامه‌ها را به عهده دارند. یکی با امضای فرمان مشروطه غربی و دیگری با کودتای نظامی و هر دو تحت فشار و خواست و دخالت مستقیم دولتهای غربی به ویژه انگلیس عمل نمودند و بدین‌گونه بود که نظام و سازمان سیاسی کشور، وابسته به غرب و مروق غرب‌زدگی شد.

۳- روشنفکران دانشگاهی و قشر تحصیل کرده.

اینان تحت تأثیر تربیت معلمان و اساتید و متون غرب‌زده، راهی جدا از مردم و باورهای آنان در پیش گرفته و غالباً در خدمت نظام سیاسی، فرهنگی و مالی رژیم وابسته قرار می‌گیرند. تحصیل کرده‌گان در مدارس تأسیس شده توسط دولتهای غربی یا روشنفکران در داخل و

بورسیه‌ها و عزیمت‌کنندگان به غرب برای تحصیل، اشاعه‌دهندگان سنتها و آداب و عادات غریبها در رفتارهای اجتماعی بودند که عملاً آنچه در رسانه‌های جمیع تبلیغ می‌شد، به نمایش می‌گذاشتند. در بعد قانونگذاری و اجراییات هم، سازماندهی و شیوه‌های اداری و مدیریتی غرب را حاکم ساختند.

نقاط حساسی که آماج حمله قرار گرفت

۱- حوزه‌های علمیه و روحانیت

حوزه‌های علمیه و روحانیت به عنوان حافظان دین و اعتقادات اسلامی، بیش از هر نقطه دیگر مورد هجوم قرار گرفت. هجومها در محورهای تهمت و هتك حریم دین، ایجاد شک و شببه در باورهای دینی، کهنه و قدیمی و غیرعلمی معرفی کردن اعتقادات و احکام اسلامی، ناکارآمد جلوه دادن آن برای اداره زندگی، غیرعقلایی نشان دادن مبانی اسلامی، تحقیر شخصیت علماء و روحانیون، جدایی دین از سیاست، حبس و تعیید و شهادت علماء مبارز، ایجاد تشکیلات موازی با نهادهای روحانیت، حصر اقتصادی روحانیت و حوزه‌های علمیه و ... صورت گرفت. ابعاد این هجوم بسیار گسترده و وحشیانه و با شیوه‌های مختلف انجام شد. ترویج باستان‌گرایی برای کمرنگ کردن علائق اسلامی از شیوه‌های تهاجم به دین و ارزش‌های آن به شمار می‌رود.^(۱)

۲- مدارس و دانشگاهها

مدارس کشور از ابتدایی تا دانشگاهها به عنوان محلهای تربیت نسل جوان مورد توجه جدی مهاجمان بود. جالب است که در کشور، ابتدامدارس عالی و دانشگاهی چون دارالفنون^(۲) و مدرسه علوم سیاسی به وجود آمد و تقریباً ۵۰ سال بعد، مدارس ابتدایی به سبک جدید و غربی دایر گردید. مدارس جدید و دانشگاهها، هم از لحاظ برنامه درسی و هم شیوه و روش تدریس و تربیت و هم از جهت مدرسین و معلمان و اساتید، کاملاً سبک و سیاق مدارس غربی را داشت و فرآورده و محصول آن، بیگانه از فرهنگ خودی و متناسب با خواست غرب بود. اغلب اساتید

۱- برای مطالعه ابعاد این تهاجم به کتاب «تهاجم به روحانیت و حوزه‌های علمیه» از انتشارات این مؤسسه مراجعه شود.

۲- دارالفنون ابتدای صورت دانشکده بلکه دانشگاه پلی‌تکنیک بود و در سال ۱۲۶۸ آغاز به کار کرد و سپس در سیر نزولی خود در حد یک دیبرستان درآمد.

غرب زده بودند و ماحصل کار آنان به درد فرهنگ غرب می خورد تا مردم کشور.^(۱)

۳- تاریخ و اسطوره‌های مقاومت و استقلال کشور

مهاجمین فرهنگی برای تهی کردن مردم کشورهای مورد تهاجم و بهویژه نسل جوان آنها، تاریخ و مفاخر و اسطوره‌های آن کشورها را مورد تحریف و دستبرد قرار داده و تاریخ آنان را به گونه‌ای نوشته و منعکس می‌کردند که گویا نسلی بی‌ریشه و بی‌هویت هستند که هیچ گذشته مورد اعتماد و اتكاء و درخشانی نداشته‌اند! در این جا نقش باصطلاح مستشرقین برجسته‌تر می‌شود. آنان با همکاری قلم به مزدهای مرعوب داخلی، تاریخ را آنگونه که منافع غرب ایجاد می‌کرد نوشتند! تهاجم به تاریخ ملتهای تحت سلطه، از جمله نقاط استراتژیک در طراحی «تهاجم فرهنگی» است که اثر آن سالهای طولانی باقی می‌ماند. بیگانگی از سمبلهای مقاومت و ایثار و استقلال ملت و کشور در نسل جوان از هدفهای این تهاجم است.

۴- زبان و ادبیات

زبان و ادبیات کشورهایی که بایستی تحت سلطه قرار گیرند، از جمله نقاط مهمی است که در طراحی غرب، می‌بایستی بدان دست یافت. در بسیاری از این کشورها، زبان نوشتاری مردم تغییر یافت! و بدین وسیله ارتباط نسلهای بعد با تمدن و فرهنگ و نسلهای قبلی قطع می‌شد! به تبع تهاجم به زبان، ادبیات نیز از تعزض مصون نمی‌ماند و مورد هجوم قرار می‌گرفت. شعراء، نویسنده‌گان و گویندگان، افشاری بودند که در این تهاجم خودآگاه و ناخودآگاه، حلقة محاصره دشمن را بر ملت خود تنگ‌تر می‌کردند و با داستانسرایی و اشعار و محاوره با فرهنگ و زبان دشمن، غرب‌زدگی را که کلید فتح دروازه خودی است، ترویج نموده و لاقیدی و دین‌گریزی و پوچی را در میان نسل جوان خود تبلیغ می‌نمودند.

۵- تمامیت ارضی و وحدت کلمه

تمامیت ارضی و وحدت نیز از جمله آماجی بودند که از «تهاجم فرهنگی» در امان

۱- برای مطالعه ابعاد این تهاجم به کتاب «تأملی در شکل‌گیری آموزش و پرورش و آموزش عالی» از انتشارات این مؤسسه مراجعه شود.

نماندند. ترویج تفکر ناسیونالیسم «ملی‌گرایی» وحدت عمومی جهان اسلام را به تفرقه و خصومتهای ملی تبدیل کرد و در هر کشوری، قومیتها از یکدیگر جدا و به نوعی رقابت منفی و زیانبار مشغول شدند. جهان اسلام، پاره پاره و هر گوشه آن به داشته‌های خود سرگرم و از دیگران غافل یا حتی دشمن با یکدیگر شدند. قوم عرب، قوم ترک، قوم ایرانی و ... بهانه‌هایی شدند برای غفلت از سرنوشت مشترک، آن هم در شرایطی که غرب رو به سوی وحدت داشت. دامن زدن به اختلافات مسلکی، ایجاد حزبهای دینی ساختگی، بزرگ کردن نقاط اختلاف و کوچک کردن نقاط مشترک، تحریک عصیتهای جاهلی، از جمله نقشه‌هایی بودند که کشورهای جهان سوم و بهویژه اسلامی را به خود مشغول کرده و از حرکتهای سازنده و جهش‌های علمی و عملی و ایستادگی در برابر زیاده طلبیهای غرب بازمی‌داشت.

خوب، در این تابلویی که به اختصار ترسیم شد، نیروی زبده و کارساز و پیشفرمول دشمن، روشنفکران و اقشار تحصیل‌کرده در غرب یا مدارس و دانشگاههای غرب زده داخل بودند که هم در تغییر ساختار سیاسی حاکم بر جامعه و هم در تغییر فرهنگ عمومی مردم و هم در تهاجم به نقاط استراتژیک و حساس ملت، نقش ممتاز و برجسته داشتند. روشنفکران - هم در وجه ملی و هم ملی، مذهبی خود - سرپل نفوذ دشمن در کشور و ملت خود بودند و هستند. آنان با باورهای تغییر یافته خود، برپادارندگان سلطه ابرقدرتها هستند. غرب مسلط بر تکنولوژی، برای گسترش فرهنگ خود و خلع سلاح کشورهای تحت سلطه، از راه این قشر وارد شد و سالهای سال بر منابع و منافع ملت‌های مورد نظر تسلط یافت و با چپاول آنها بر تمول و قدرت خود افزود. اینک معنای عمیق جمله بنیانگذار جمهوری اسلامی را بهتر درک می‌کیم که فرمودند:

ما از شر رضاخان و محمد رضا پهلوی خلاص شدیم لکن از شر تربیت یافتنگان غرب و شرق به این زودیها نجات نخواهیم یافت. اینان برپادارندگان سلطه ابرقدرتها هستند و سرسپرده‌گانی می‌باشند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی‌شوند و هم اکنون با تمام ورشکستگیها دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن این سد عظیم الهی برنمی‌دارند.^(۱)

علت روی آوردن این مؤسسه به تشریح نقش و عملکرد روشنفکران در تاریخ معاصر ایران، اهمیت این مسأله است. تداوم نقش روشنفکران ملی و ملی مذهبی در تخریب باورها و

خواسته‌ها و ساختار مورد علاقه مردم که در مدت بیست و دو سال همیشه بر آن پای فشرده‌اند، بر حساسیت مسأله و اهمیت آن افزوده است. این قشر ورشکسته که هیچ هنری جز ادعا ندارند و تاریخ از دلایل خیانت و هرزگی و وابستگی آنان، قصه‌های غمانگیز و نفرت‌آوری در خود ثبت کرده است، با حمایت آمریکا و غرب، همچنان دست‌اندرکار خنجر زدن از پشت به ملت هستند. لذا باید نقش آنان روشن شود، توطئه آنها بر ملاگردد و به‌ویژه جوانان نسبت به تحریکات آنان در محیط‌های دانش‌آموزی و دانشجویی، حساسیت و دقّت لازم را داشته باشند. بیداری و هوشیاری و عبرت‌آموزی از تاریخ، رمز رستن از دامهایی است که گسترده‌اند و عمل به هشدارها و رهنمودها و تدابیر رهبر حکیم و فهیم و عادل، راه مستقیم هدایت و نجات از دام روشنفکران ظلمت‌گستر است.

امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت‌هاست و آنان هادی هدایت‌کنندگان تاکنون‌اند.^(۱)

موسسه فرهنگی هنری قدرولايت